



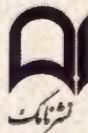
سازندگان جهان ایرانی-اسلامی

۹

سایه میثمی

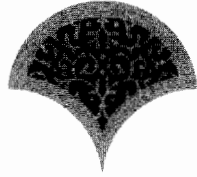
# ملاصدرا

محمد رضا مرادی طادی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سرشناسه	: میثمی، سایه، ۱۳۵۰ -	Meisami, Sayeh
عنوان و نام پدیدآور	: ملاصدرا / نویسنده سایه میثمی؛ ترجمه محمدرضا مرادی طادی.	
مشخصات نشر	: تهران: نامک، ۱۳۹۷.	
مشخصات ظاهری	: ۱۵۲ ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.	
فروست	: مجموعه سازندگان جهان ایرانی - اسلامی؛ ۹ / دبیر مجموعه مرتضی هاشمی پور.	
شابک	: 978-600-6721-67-5	
فروست	: سازندگان جهان ایرانی - اسلامی؛ ۹.	
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا.	
یادداشت	: عنوان اصلی: Mulla Sadra, ©2013.	
یادداشت	: نمایه.	
موضوع	: صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، ۹۷۹-۱۰۵۰ ق.	
موضوع	: Mulla Sadra Shirazi	
موضوع	: فیلسوفان اسلامی.	
موضوع	: Muslim Philosophers	
موضوع	: فلسفه اسلامی.	
موضوع	: Islamic Philosophy	
شناسه افزوده	: مرادی طادی، محمدرضا، ۱۳۵۶ -	، مترجم.
شناسه افزوده	: هاشمی پور، مرتضی، ۱۳۵۸ -	
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۶ م ۷ ۸۶ / م ۱۱۲۱ BBR	
رده بندی دیویی	: ۱۸۹/۱	
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۰۱۴۱۷۳	



سازندگان حجک ان ایرانی-اسلامی

۹

..... سایه میثمی .....

# ملاصدرا

---

محمد رضا مرادی طادی



این کتاب ترجمه‌ای است از  
MULLA SADRA  
Sayeh Meisami  
Oneworld Publications, ©2013



نامک در زبان پهلوی به معنای کتاب و نامه است.

تلفن: ۶۶۴۱۷۶۳۶

مجموعه سازندگان جهان ایرانی - اسلامی - ۹

دبیر مجموعه: مرتضی هاشمی پور

## ملاصدرا

نویسنده: سایه میثمی

ترجمه: محمدرضا مرادی طادی

طرح جلد: پرویز بیانی

حروفچینی و صفحه‌آرایی: حروفچینی هُما (امید سیدکاسمی)

چاپ اول: ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۷۲۱-۶۷-۵ ISBN: 978-600-6721-67-5

همه حقوق برای این اثر محفوظ است

تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزئاً به هر صورت

(چاپ، فتوکپی، الکترونیکی، صوتی)

بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع است و پیگرد قانونی دارد

دفتر فروش: ۶-۶۶۴۷۷۴۰۵ داخلی ۱

## برای امیر و سام<sup>۱</sup>

با نهایت احترام این مختصر را تقدیم می‌کنم به حدیثه با یاد و خاطره‌ای از  
آلبوم لبخندها، پرویز وثوق، که در گرماگرم رمضان ندای حق را لیبیک گفت و به  
میثاق عهد الستش بازگشت:

رمضان بود

همه به نان پاره‌ای افطار کردند و تو

روژه پنجاه‌ساله را

با لقاء الله گشودی

دیدار مبارکت باد

محمد رضا مرادی طادی

## یادداشت دبیر مجموعه

هدف مجموعه سازندگان جهان ایرانی - اسلامی آشنا ساختن افراد غیرمتخصص و علاقه مند به پژوهش های مستند و دقیق درباره تاریخ و تمدن ایران و اسلام است.

مجموعه حاضر در اصل برگرفته از مجموعه سازندگان جهان اسلام به سرپرستی استاد فقید خانم پاتریشیا کرون است. بعد از درگذشت ایشان خانم زابین اشمیتکه و محمد الرهیب سرپرستی مجموعه را برعهده گرفتند. ما شخصیت های مرتبط با فرهنگ ایرانی را انتخاب کردیم و دست به کار ترجمه شدیم. ممکن است اثری در این مجموعه به فردی غیرایرانی اختصاص داده شده باشد، ولی آن فرد به دلایل مختلف و در وجوه گوناگون در تاریخ و فرهنگ ایرانی مؤثر بوده است. لذا بی هیچ جانبداری و تعصب و تنها با تأکید بر عوامل تاریخی و نیز صحت در روش تحقیق مجموعه آثار منتشرشده را انتخاب کرده ایم. درست است که این مجموعه به دست متخصص و صاحب نظر در هر موضوع فراهم آمده است ولی - همان طور که ملاحظه خواهید کرد - علاوه بر پژوهشگران علاقه مندان و غیرمتخصصان هم از آن بهره مند می شوند. روش درست و کاویدن منابع و اسناد از جمله ویژگی های کتاب های مجموعه سازندگان جهان ایرانی - اسلامی است. بر خوانندگان هشیار پوشیده نیست که با شناخت و درک درست از گذشته و با آگاهی و تأمل در روزگار امروز می توان افق های درخشانی را پیش روی ترسیم کرد. امید است مجموعه حاضر

هم اطلاعات و دانش خوانندگان علاقه‌مند را بیفزاید و هم دانشجویان را درسی در روش تحقیق باشد، و همچنین صاحب‌نظران را با آثار جدید پژوهشگران غیرایرانی هرچه بیشتر آشنا سازد.

مرتضی هاشمی پور



## فهرست مطالب

۱۳	.....	قدردانی
۱۵	.....	۱. زندگی و آثار
۲۰	.....	زندگی و آثار ملاصدرا
۲۸	.....	ملاصدرا و مکتب اصفهان
۳۱	.....	حکمت متعالیه
۳۷	.....	۲. واقعیت و ذرّجات هستی
۳۷	.....	وجود و ماهیت
۳۸	.....	بنیاد واقعیت
۴۱	.....	آیا ماهیت توهم است؟
۴۳	.....	کثرت در وحدت
۴۹	.....	وحدت در کثرت
۵۵	.....	۳. اتحاد عاقل و معقول
۵۵	.....	معرفت و وجود
۵۶	.....	سلسله مراتب شناسا

علم حضوری ..... ۵۹  
 معرفت و ادراک ..... ۶۳  
 ادراک حسی و جهان ادراکی ..... ۶۴  
 تخیل و جهان خیالی ..... ۶۵  
 تعقل و جهان معقول ..... ۶۶

۴. مبداء و معاد ..... ۷۱  
 حرکت جوهری ..... ۷۱  
 بنیاد حرکت ..... ۷۳  
 حدوث زمانی و قدم ..... ۷۵  
 نفس ..... ۸۲  
 معاد ..... ۸۶

۵. خدا و صفات او ..... ۹۱  
 کلام در حکمت متعالیه ..... ۹۱  
 وجود خدا ..... ۹۳  
 وحدانیت خدا ..... ۹۸  
 صفات ..... ۱۰۲  
 علم الهی ..... ۱۰۵  
 اراده الهی ..... ۱۱۱  
 آزادی اراده ..... ۱۱۴  
 انبیا، امامان و اولیا ..... ۱۱۷

۶. میراث فیلسوف ..... ۱۲۳  
 نفوذ اولیّه: شاگردان و منتقدان ..... ۱۲۳  
 ملاصدرا در عصر قاجار و پهلوی ..... ۱۲۷

۱۳۴..... بعد از انقلاب اسلامی

۱۳۷..... خارج از ایران

۱۴۳..... کتاب‌شناسی

۱۴۷..... نمایه

## قدردانی

این کتابِ مختصر بی تشویق‌های محمد راستوم و کمک‌های خالصانه‌اش، در تمام مدتِ کار، نگاشته نمی‌شد. همچنین از جان کلینبرگ، شفیق ویرانی، لوری سیلورز در دانشگاه تورنتو برای حمایت‌های‌شان از من، هنگامی که در فراهم کردن سوادِ این اثر بدانها نیازمند بوده‌ام، سپاس‌گزارم. همچنین مایلم از پاتریشیا کرون، ویراستار مجموعه، بابت صبر و دقتی که در راستای بهبود اثر من ارائه کرد و از سجاد رضوی بابت نکات ویرایشی که برپیش‌نویس اثر اعمال کرد، سپاس‌گزاری کنم.

بسیاری از علما، استادان، همکاران دانشگاهی، دوستان و شاگردانی در ایران هستند که مایلم از آنان برای آن‌که در سال‌های شاگردی و معلّمی‌ام منبعِ شگرفی از الهام برایم بوده‌اند، تشکر کنم. از میان آنها به‌ویژه از مصطفی ملکیان و محمود خاتمی برای سخاوت‌های فکری و معنوی بی‌مانندشان مایلم قدردانی کنم.

همچنین بایستی از امیر برای تمامی عشق و حمایتی که در سرتاسر زندگی‌مان نه تنها همچون یک شوهر بلکه بسان همراه فکری شورمند و صمیمی با آرایشی درخشان نثار من کرده است، سپاس‌گزاری کنم.

## زندگی و آثار

وقتی که ملاصدرا (وفات ۱۰۴۵/۱۶۳۵-۳۶م) حیاتِ فکری خودش را آغاز کرد فلسفهٔ اسلامی در ایران پیش‌تر روزگار طلایی‌اش را با فلاسفهٔ بزرگی همچون فارابی (وفات ۳۳۹/۹۵۰م)، ابن‌سینا (وفات ۴۲۸/۱۰۳۷م)، و سهروردی (وفات ۵۸۶/۱۱۹۱م) سپری کرده بود. مجاهداتِ فلسفی در عصرِ میان سهروردی تا ملاصدرا بیشتر به تفاسیر، دفاعیه‌ها، ارائهٔ راه‌حل‌های گاه و بیگاه برای مسائلِ قدیمی، و بالاتر از همه، به تلاش برای درهم‌آمیزی فلسفه با کلام و عرفان محدود شده بود. بهترین مفسران نامی مردانی چون قطب‌الدین شیرازی (وفات ۷۱۰/۱۳۱۱م)، نصیرالدین طوسی (وفات ۶۷۲/۱۲۷۴م)، جلال‌الدین دوانی (وفات ۹۰۸/۱۵۰۲-۳م) و در قرن نهم/ چهاردهم خاندان دشتکی بودند. ملاصدرا برای نگرش ترکیبی نوآینی که از فلسفهٔ اسلامی ارائه کرده، سزاوار ستایش است. او رویکردی ترکیبی به فلسفه را بسط داد که بر تمامی مباحث پس از خود سیطره یافت. این نکته مبتنی بر نقش او بسان یک مؤسس بود، برای آن‌که او سنتِ سینوی نگارش کتب حجیم در حوزه‌های مختلف متافیزیک را احیا کرد و به موضوعات مختلفی همچون وجود،

معرفت، رابطهٔ نفس - تن، آغاز و انجام جهان، و خدا، پرداخت. شاهکار او، *الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه* (زین پس: اسفار)، در عظمتش تنها با الشفاء، اثر ابن سینا، قابل مقایسه است. این دو فیلسوف، علی‌رغم قرن‌ها اختلاف زمانی، در ارائهٔ یک سنّت فکری متعالی، با نکاتی سخت قاطع، در تاریخ تمدن اسلامی، شبیه یکدیگرند.

نظام فلسفی ملاصدرا بر روی یافته‌های استادان متقدّم بنا شده است، و در بسیاری موارد بر مباحث کلامی و فلسفی‌ای تکیه دارد که تنها در ارتباط با دیدگاه‌های قدیمی ترمی تواند دارای معنا باشد. این نکته کم‌گرفتن اصالتِ فلسفه‌اش نیست؛ فلسفه‌ای که پیرو عنوان کتاب شاهکارش به حکمة المتعالیه مشهور شده است. حکمتِ متعالیه به مقولهٔ گستردهٔ فلسفهٔ عرفانی تعلق دارد که با روش‌شناسی ترکیبی‌ای مشخص می‌شود که مشتمل بر تلفیقِ عرفان و منطق و همچنین مبتنی بر قرآن و حدیث است. نتیجهٔ آن فلسفه‌ای عرفانی است؛ نوعی فلسفه که با نبوّت اسلامی گره خورده است و در غرب غالباً به نام حکمت الهی<sup>۱</sup> شناخته می‌شود. ظهور و گسترش فلسفهٔ عرفانی کامل با تبدیل ایران به کشوری شیعی در عصر صفوی هم‌زمان بود اگرچه گام‌های مقدماتی آن در این راستا در قرون قبل برداشته شده بود.

این واقعیتی تاریخی است که بسیاری از علمای شیعهٔ روزگارِ ملاصدرا از وجوّهاتِ باطنی فلسفهٔ او، به دلیل نگرشِ بدگمانی عمومی‌ای که به تصوف در دوران صفویه وجود داشت، ناخشنود بودند. باورش به وحدتِ وجود، اعتمادش به تأویل در فراسوی سطح ظاهری متون مذهبی، و به‌ویژه کشف معانی پنهان در متون شیعی، او را آماج حملات کرد. مع‌هذا او خود قهرمان تفکر شیعیانه بود که آموزهٔ مرکزی امامت شیعی را با ولای الهی یا ولایتِ صوفیانه درهم آمیخت. برای ملاصدرا ولیّ الله، که همچنین او آن را، با

1. theosophy

مفهومی برگرفته از ابن عربی (وفات ۶۳۸/۱۲۴۰م)، انسانِ کامل (الانسان الکامل) نیز می‌نامد، هدفِ غایی خلقت است. او دوازده امام شیعه را بسان مثال‌های اکمل ولایت لحاظ می‌کند.

اگرچه علمای شیعه و سنی در بخش‌های مختلفی از جهان از جمله ایران، عراق، هند، پاکستان، افغانستان و ترکیه آثار ملامدرا را خوانده‌اند اما تاثیر خاص آن بر تشیع غیر قابل انکار است. اولین و تنها کنگره جهانی ملامدرا که در ۱۳۷۸ش/۱۹۹۹م در تهران برگزار و مورد مراجعه پژوهشگران فلسفه صدرایی در سراسر جهان واقع شد نشان از این اهمیت ویژه دارد. این‌که او مشهورترین فیلسوف ایران پس از انقلاب اسلامی شده است دلیلی بر آن نیست که به سادگی بتوان او را به سیاست تقلیل داد، اگرچه قطعاً اندیشه او کاربرد سیاسی نیز دارد. تلاش‌های جدی‌ای برای بسط تحقیقات صدرایی و شناساندن او به محافل آکادمیک غربی تقریباً دهه‌ای پیش از انقلاب در انجمن شاهنشاهی فلسفه ایران آغاز شد. مطالعه و تعلیم آثار ملامدرا، در هردو حوزه علوم عقلی و شهودی، سنت ثابتی بود که از دوره قاجار (۱۱۷۰-۱۳۰۴ش/۱۷۸۵-۱۹۲۵م) در حوزه‌های علمی قم، مشهد و نجف وجود داشته است.

اگر ما سنت اخباری که قدرتی عظیم در عصر صفوی بود و ایمان شیعی را به صرف خواندن متون مذهبی تقلیل می‌داد، و مقابله با تصوف دولت صفوی را مستثنی کنیم، تشیع بیشترین سازگاری را با عقل‌گرایی فلسفی و معنویت‌گرایی صوفیانه داشت. این‌که خواجه نصیر نخستین رساله نظام‌مند در کلام شیعه، تجرید الاعتقاد، را مبتنی بر فلسفه ابن سینا نگاشته است، نمی‌تواند اتفاقی باشد. خواجه نصیر همچنین کسی بود که وظیفه دفاع از فلسفه سینوی را در مقابل حملات فخرالدین رازی (وفات ۶۰۶/۱۲۰۹م) بر عهده گرفت. به علاوه کلام شیعه در بخش‌های زیادی به باورها و روش‌شناسی

اعتزالی متمایل است. کلام معتزله، با تأکیدش بر منطق و عقل‌گرایی، نزدیک‌ترین مکتب به فلسفه در میان مکاتب کلامی است. از شیخ مفید (وفات ۴۱۳/۱۰۲۲م) تا علامه حلی (وفات ۷۲۶/۱۳۲۵م) گرایش به عقل‌گرایی اعتزالی برای کلام فلسفی بسیار پیچیده شیعه اثنی‌عشری مسیری (روش‌شناسانه) را گشود (لیمن و رضوی ۲۰۰۸، ۹۲-۹۳).

الگویی که غزالی برای سازش میان آموزه‌های اهل تسنن با تصوف به کار گرفت الگویی برای بعضی از علمای بزرگ عصر صفویه شد تا بر مبنای آن برای نزدیکی میان تشیع و تصوف بکوشند. علی‌رغم این واقعیت که تصوف در تبار تاریخی‌اش جنبشی سنی بود، قرابت میان آموزه امامت شیعه و مفهوم ولایت تصوف بدل به منبعی برای درهم‌آمیزی معنوی آن دو گردید. برای مثال تقریباً تمامی طریقت‌های صوفیه علی بن ابیطالب [ع]، امام اول شیعیان، را به منزله نخستین پیرو و قطب روحانی ارج می‌نهند. همچنین شواهدی وجود دارد که به سادگی نشان می‌دهد، امام شیعه و قطب روحانی یکی بوده‌اند. برای مثال در حدیثی منسوب به امام ششم شیعیان، جعفر صادق [ع]، می‌خوانیم: «خدا ولایت ما اهل بیت را قطبی قرار داد که قرآن به گرد آن کشیده می‌شود» (امیرمعزی ۲۰۱۱، ۲۴۱).<sup>۱</sup>

جذب و تطبیق آموزه ولایت ابن عربی در مکتب تشیع، که با سید حیدر املی (۷۸۷/۱۳۸۵م) آغاز شد، با ملاصدرا کامل گردید. او در بخش پایانی شواهد الربویّه، بدون ذکر منبعش، سخن ابن عربی را در باب تداوم ولایت الهی پس از رحلت پیامبر نقل می‌کند و عبارات «امامان معصوم» و «اهل بیت» را، که ارجاعی به ائمه شیعه است، به آن منضم می‌کند (الشواهد الربویّه، ۵۰۹-۱۱).

۱. محمدعلی امیرمعزی، تشیع، ریشه‌ها و باورهای عرفانی، ترجمه نورالدین الله‌دینی، نشر نامک،



اگرچه ظاهراً ملاصدرا در مرکز جهان تشیع بوده است اما با وجود این علمای بسیاری از حلقهٔ اهل سنت به او جذب شده‌اند. شاگردانش در هند مغولی، که اندکی پس از مرگش به آثار او علاقه‌مند شدند، و همچنین علمای اهل پاکستان کسانی همچون محمد اقبال (وفات ۱۹۳۸م)، مودودی (وفات ۱۹۷۹م) و فضل الرحمن (وفات ۱۹۸۸م)، اکثراً سنی بودند. این نکته در باب بسیاری از مفسرین معاصر فلسفه‌اش نیز صحیح است. در آخرین فصل کتاب در باب تأثیرات فلسفه‌اش بیش از این خواهیم گفت.

جامعیت نظام فلسفی آن چیزی است که طیف مختلفی از متفکران را جذب اندیشهٔ ملاصدرا کرده است. آثارش کل میراث اندیشهٔ اسلامی را جانی دوباره بخشید؛ از مکاتب مختلف فلسفی تا عرفان، تفاسیر قرآنی و حدیث، و پرداختن به مباحثی که حوزه‌های شهودی و عقلانی سنت‌های اسلامی را از هم جدا می‌کرد. همان‌گونه که خواهیم دید، او با ابتدای نظام فلسفی‌اش بر وحدت هستی یا وجود، بسان یک کل پویای مشکک، برای مسائلی که ظاهراً مایهٔ جدایی عقل و ایمان شده بود، از جمله آغاز و انجام جهان و معاد جسمانی، رویکردی منعطف‌تر و مصالحه‌آمیز ایجاد کرد. به علاوه، دانش گسترده‌اش از قرآن و حدیث موجب تقویت این رویکرد مصالحه‌آمیز می‌شد. او نظامی ساختاری را بسط داد که در آن عناصر مذهبی، شهودی و عقلانی بی‌هیچ تصنعی با یکدیگر ممزوج شدند و به رشد کل آن یاری رساندند.

تنها پس از خواندن آثار صدررا ما می‌توانیم این نکته را کشف کنیم که چرا فلسفه و کلام اسلامی، دقیقاً برعکس کلام مسیحی در غرب مدرن، هرگز با ظهور مدرنیته همگام نشد. فلسفهٔ اسلامی، همچون فلسفه در غرب سده‌های میانه، هرگز «کنیز الهیات» نبوده است؛ اما در راستای ثبات جایگاه فکری‌اش، در میان اتهام اعتقاد به باورهای مشکوک توسط برخی از متکلمان،

یا می‌توانست مدعی حقیقتی از خودش باشد یا آن‌که راه سازش را برگزیند. فلاسفه در جهان شرقی اسلام با برگزیدن راه دوم نظامی را ساختند که در آن حقیقت ایمان نمی‌توانست از یافته‌های عقل متمایز باشد. آثار ملاصدرا، به خاطر این‌که قهرمان این رویکرد است، حائز اهمیت می‌باشد. او نه تنها فلسفه اسلامی را از تصادم با حملات متعصبانه نجات داده بلکه حدّ اعلاّی مباحثات فلسفی بر سر موضوعات کلامی را نیز ارائه کرده است.

### زندگی و آثار ملاصدرا

محمد بن ابراهیم بن یحیی القوامی شیرازی که عموماً به ملاصدرا مشهور شده است زندگی‌اش را در ایران به روزگار اعتلاّی سلسله صفویه تحت حکومت شاه عباس اول (وفات ۱۰۳۹/۱۶۲۹م) سپری کرد. نسل‌های بعدی به او لقب صدرالمتألّهین را اعطا کردند. از جزئیات زندگی‌اش چیزی در دسترس نیست، اما می‌دانیم در شیراز و در خاندانی متنفذ به سال ۱۹۷۹/۱۵۷۲م متولد شد و این‌که پدرش شغل دیوانی داشته است. از آنجا که او تنها پسر خانواده بوده لذا در کانون توجه پدرش بوده و او صدرا را تشویق به آغاز تحصیل در شهرشان کرده است. آموزش اولیّه او در شیراز بوده که در آنجا فلسفه‌های اسلافش را آموخته است و به احتمال قوی او خودآموزی می‌کرده اگرچه روشن نیست که معلمی داشته است یا خیر. بر طبق تحقیقات اخیر در آن دوران آموزش فلسفه در حوزه‌های علمیّه شیراز در دسترس نبوده (رضوی ۲۰۰۷، ۷) و نخستین مواجهه او با فلسفه در قزوین بوده است. او در جستجوی راهنمای فکری و روحانی و بنا به جذاییت‌های دستاوردهای فرهنگی پایتخت صفویان به اصفهان سفر کرده است. شهری که بعداً قلب مذهبی و سیاسی ایران شیعی شد.

بیشتر دانش‌های ملاصدرا، در هر دو حوزه علوم شرعی و عقلی، از

آموزش‌های او در اصفهان ناشی می‌شد. او تحت هدایت زنده‌ترین فیلسوفِ زمانه، میرمحمد باقر استرآبادی مشهور به میرداماد (وفات ۱۰۴۰/۱۶۳۱م)، دانش فلسفی خودش را در هردو حوزهٔ مشائی و اشراقی بسط داد. میرداماد به خاطر خوانش اشراقی‌اش از فلسفهٔ سینوی مشهور است؛ لذا بایستی تأثیر قدرتمندی بر روش‌شناسی تلفیقی شاگردش گذاشته باشد. اگرچه ملاصدرا با برخی از اصول عمدهٔ تعالیم استادش مخالفت کرد اما همواره نسبت به دین خود به او آگاه و سپاس‌گزار بود. او همچنین بعضی از عقایدش را در ارتباط با پرسش‌هایی بسط داد که نخستین بار میرداماد مطرح کرده بود.

بهاء‌الدین عاملی مشهور به شیخ بهایی (تولد ۱۹۵۳/۱۵۴۶م) دیگر شخصیت بزرگ تأثیرگذار بر ملاصدرا بود که همانند همکار فکری‌اش، میرداماد، فراتر از رابطهٔ صرف استادی - شاگردی ارتباط معنوی قدرتمندی با ملاصدرا برقرار کرد. ملاصدرا پس از دیداری کوتاه در شیراز با بهاء‌الدین، نخستین کاری که پس از رسیدن به اصفهان انجام داد نام‌نویسی در محضر درس او بود (ضیایی ۱۹۹۶، ۶۳۶). او تا آنجا که توانست در شاخه‌های مختلف علوم اسلامی و عرفان از محضر استاد اعجاب‌برانگیزش آموخت؛ استادی که هنوز هم در ایران همچون حکیم و دانشمندی افسانه‌ای در خاطره‌ها مانده است. بهاء‌الدین فقیهی عالی‌رتبه بود که در مقام شیخ‌الاسلامی اصفهان جانشین پدرش شده بود. او همچنین بر متون صوفیانه مسلط بود و بعضی از محققان بر این باورند که او به یکی از طریقت‌های صوفیه پیوسته بود (لوپزون ۱۹۹۹، ۸)، هرچند شواهد بسنده‌ای له این مدعا وجود ندارد. او بایستی مهمترین مرجع ملاصدرا برای دانش ژرف و خوانش عرفانی‌اش از اندیشهٔ شیعه بوده باشد.

به علاوه هردو استادش، به خاطر نزدیکی با دربار و اشتغال به مقام شیخ‌الاسلامی اصفهان، چهره‌های صاحب نفوذ زمانه بودند. برای تحصیل

ملاصدرا در محضر میرفندرسکی، سومین چهره شاخص حیات فکری عصر صفویه، شاهدی وجود ندارد؛ صدرا در هیچ یک از آثارش نامی از او نبرده است (نصر ۲۰۰۶، ۲۱۸).

به احتمال قوی او بعد از مرگ پدرش تصمیم گرفته تا در سال ۱۰۱۰/۱۶۰۱م به زادگاهش شیراز بازگردد. او جو فکری شیراز را بسی ناخوشایند یافت و آن را این گونه وصف کرد: «قلّت انصاف و کثرت اعتساف و کاستن از شأن بزرگان و افاضل، و بالا بردن لثیمان و اراذل، و ظهور جاهل شریر و عامی نکیر [همگی] در کسوت عالم خردمند» (اسفار، ۱، ۷). عاقبت او از دست فقهای معاند به ستوه آمد و در روستایی به نام کهک، نزدیک قم، عزلت گزید و در آنجا برای پنج سال یا بیشتر زندگی اش را وقف تأمل و تفکر کرد. اگرچه جزئیات این تنش ها موجود نیست اما می توان از لابه لای نوشته های او فهمید که احساساتش چقدر جریحه دار شده بوده است. در رساله سه اصل، که تنها رساله فارسی اش می باشد، او به زبان مادری به تلخی بدگویانش را مخاطب قرار می دهد:

«ای عزیز دانشمند و ای متکلم خود پسند، تاکی و تا چند خال وحشت بر رخسار الفت نهی، و خاک کدورت بر دیدار وفا از سرکلفت پاشی، و در مقام رد و سرزنش و جفا با اهل صفا و اصحاب وفا باشی، و لباس تلبیس و ریا و قبای حيله و دغا درپوشی، و جام غرور از دست دیورعنا بنوشی، و در ابطال حق و ترویج باطل و تقبیح دانا و تحسین جاهل بکوشی». (رساله سه اصل، ۷)

این عزلت نشینی ملاصدرا نیز، همان گونه که یک ضرب المثل فارسی می گوید: «عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد»، در واقع برکات معنوی و فکری بسیاری را برای او به همراه آورد. در همین دوره بود که او بنیادهای حکمت متعالیه را پی ریزی کرد و نوشتن اسفار را آغاز نمود. او در حوالی سال